

يَا مُحَمَّلُ الْحَوْلِ وَالْأَحْوَالِ حَوْلَ حَالَنَا إِلَى أَخْسَنِ الْحَالِ

اللَّهُمَّ رَبِّنَا أَنْزَلْنَا عَلَيْنَا مَا يَلِقُونَ لَنَا عِيداً لَا أُؤْلَئِنَا وَآخِرَنَا وَآتَنَا مِنْكَ وَأَرْزَقْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ^۱

عید نوروز باستانی این یادگار حضرت زرتشت(ع) و میراث ماندگار نیاکان پاک ما ایرانیان که تجلی گاه وحدت و همبستگی ملی و مذهبی ما با بسیاری از اقوام و ملل و همراه با فصل بهار است که تجدید حیات طبیعت می‌باشد و سیله‌ای است برای حرکت تصاعدی در شیوه‌ی نوگرایی و تحول در روش زندگانی و رشد و تکامل فرهنگی و فکری. و نوبهار توجه می‌دهد که در پس هر زمستانی، بهاری سبز و با طراوت و شادی و سرور در انتظار ماست. خداوند مهریان در قرآن مجید به ما وعده فرموده است که: اگر در مسیر تکامل روحی و تغییر و دگرگونی خود و جامعه گام برداریم، درهای رحمت و برکاتش را به روی ما باز می‌فرماید. عید نوروز ایرانیان این امتیاز را دارد که هم ریشه در ملت ایرانی ما دارد و هم در اعتقادات مذهبی ما، زیرا بنا بر بعضی روایات، آفرینش و هبوط حضرت آدم(ع) و بعثت پیامبر اکرم(ص) و عید غدیر و خلافت مولی‌الموالی حضرت امیرالمؤمنین علی(ع) نیز در این روز بوده است. لذا رئیس مذهب حقه شیعه امام ششم حضرت صادق(ع) هم دعایی که مشهور است و در کتب ادعیه مذکور است، فرموده‌اند همگان آن دعا را در زمان واحد یعنی هنگام تحويل سال با حال توجه بخوانند.

اصولاً جشن و شادی لازمه‌ی زندگی انسان امیدوار به آینده‌ای درخشان است و در اسلام هم که دین تعالی و تکامل انسان است به آن توصیه شده است و حدیثی منسوب به پیامبر اکرم(ص) است که فرموده‌اند: هر کس که از جمال بهار و گلهای پرنقش و نگار آن به شوق و هیجان نیاید و زاد و توشه‌ی آخرت خود را آماده نکند بی‌گمان بیمار و نیازمند درمان می‌باشد لذا بهار طبیعت در دیدگاه فقرای الى الله و عارفان بالله پیام‌آور الهی و منادی حضرت محبوب است که یادآور بهار جاودان و حیات ابدی عاشقان بوده و عارف، دلالت بهار را بر آن وجه باقی و خُسن ساقی می‌ستاید و خوش می‌سراید که:

مرغ زیرک نشود در چمنش نعمه سرای هر بهاری که به دنباله خزانی دارد

عید نوروز سال ۱۳۹۰ شمسی را به عموم ایرانیان عزیز مخصوصاً برادران و خواهران ایمانی تبریک و تهنیت عرض می‌نمایم و از درگاه خداوند مهریان پرچم فقر را برافراشته می‌خواهم و برای همه‌ی فقرا سلامتی و سرافرازی و سریلنگی و سعادت و موفقیت ^۲ در تمام امور صوری و معنوی و رفع کلیه‌ی مشکلات و گرفتاری‌ها را مستلت می‌نمایم و به مصدق: انَّ الَّذِي كَرِيَ شَقَعَ الْمُؤْمِنَ في طَلِيعَهِ سَالَ جَدِيدَ نَيْزَ هَمَچُونَ سَالَهَيَ گذشتنه بنا بر وظیفه و مسئولیت خطیری که به عهده دارم و هم به جهت علاقه و محبتی که عموم فقرا در دل دارند، توجه همه‌ی عزیزان را به نکات مهم زیر جلب نموده و امیدوارم آنرا نصب العین خود قرار داده و رفتار خود را با آن تطبیق نموده و موجبات خشنودی حق و ارواح طیبه‌ی اولیای دین را فراهم کرده و بدین وسیله به سعادت در دنیا و رستگاری در آخرت نایل آمده و زینت رهروان راه حق گردند:

- ۱- تقید به اجرای احکام شریعت مصطفوی و آداب طریقت مرتضوی که لازم و ملزم یکدیگر می‌باشند از امتیازات سلسله‌ی جلیله‌ی نعمت‌اللهی گتابادی بوده و هر دو برای نیل به حقیقت از تعهدات ایمانی تمام فقرا می‌باشد.
- ۲- همانطورکه با نزدیک شدن عید به نظافت منزل و خانه‌نگاری می‌پردازیم باید با آمدن عید نوروز خانه‌ی دل را از غبار

کدورت و رنجیدگیها و زنگار غفلت و آلدگیها پاک نموده و با صلح و صفا و مهر و وفا فضای خانه‌ی دل را منور و معطر سازیم و با نهایت اتحاد و همدلی در تقویت این مکتب الهی دست در دست یکدیگر نهاده کاَنْهُمْ بُلَيَّاً مَرْصُوصٌ با هم قدم برداریم و بدائیم که:

جان گرگان و سگان از هم جداست متعدد جانه‌ای شیرین خداست

۳- عرفان به معنی خداشناسی و عرفان حقيقی همان روح اسلام و معنای واقعی قرآن و حقیقت تشیع است چنین عرفانی امکان ندارد کاذب باشد زیرا هر چه غیر این باشد اصلاً عرفان نیست تا آن را کاذب بنامیم. دشمنان فقر و تشیع همه‌ی وسایل ارتباطی و اطلاع‌رسانی را از ما گرفته‌اند و چون تقوا مانع آنان نیست از هیچ دروغ و تهمت و بهتانی هم خودداری نمی‌کنند. در مقابل، وظیفه‌ی فقرا آن است که بر ثبات قدم و تحکیم عقاید خود بیفزایند. اصولاً عرفان و تصوف، مکتب صلح و آرامش است و شگفت‌آور است که چنین رویه و خواسته‌ای چگونه و چرا باید مخالف داشته باشد ولی متأسفانه دچار روحیه‌ی جنگی شده‌ایم زیرا در مقابل دشمنانی که مجھبز به همه گونه سلاح مادی و فرهنگی و رسانه‌ای می‌باشند چاره‌ای جز دفاع نیست. اما با وجود همه گونه ضربات خصم‌انهای که مانند پتک به قصد در هم ریختن و پاشانیدن ما بر ما فرود می‌آورند نه تنها بر بنیان مخصوص بودن فقرای این سلسله‌ی جلیله لطمہ نمی‌زنند بلکه این بنیان الهی را مستحکم‌تر نموده است و ما به همین دشمن هم دعا می‌کنیم و خیر او را از خدا خواهانیم زیرا مهمترین خیر برای او ترک دشمنی با ماست و به این امید هستیم که او هم خیر و صلاح خود را خواهان باشد و او را توصیه می‌نماییم که:

درخت دشمنی برکن که رنج بی‌شمار آرد نهال دوستی بنشان که فردا تن به کار آید

و گاهی بارقه‌ای از تأثیر این توصیه را می‌بینیم.

۴- فقرا در طول تاریخ در سیاست معنی دروغ و حیله و فربیکاری دخالت نکرده و نخواهند نمود اما با توجه به پیشرفت‌های علمی و صنعتی و وسایل ارتباط جمعی و اطلاع‌رسانی، داشتن آگاهی‌های سیاسی و در جریان اخبار روز ایران و جهان قرار داشتن که در این زمان برای همگان می‌سیست است، برای فقرا هم لازم است تا وظایف اجتماعی خود را بهتر بدانند و مانند هر شهروند ایرانی از حقوق مسلم شهروندی خود دفاع نمایند و مفهوم این آیه‌ی شریفه را که می‌فرماید: مُحَمَّدُ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ زَحَّاءٌ يَتَّهِمُ^۳ که همین جمله‌ی: «ما در دفاع، سنگ خارا و در مهربانی، آب زلال هستیم» را پیوسته در نظر داشته و بر همین اساس انجام وظیفه نمایند.

۵- احترام و ادب نسبت به آقایان مشایخ محترم و مجازین نماز در حقیقت احترام و تعظیم شخص اجازه‌دهنده یعنی بزرگ زمان است. مشایخ و مجازین نیز مسلماً خود را موظف می‌دانند که با فقرا با نهایت محبت و خدمت رفتار نموده و احترام اجازه‌ی خود را نگهدارند و از حدود اجازه‌ی خود تجاوز ننمایند و کاملاً مراقب سخنان خود مخصوصاً در مسافرت به شهرستانها باشند و از هر گونه دستور یا سخنانی که ایجاد هر گونه اختلاف و پراکندگی در بین فقرا می‌نماید خودداری نموده و تا از نظر قطب وقت درباره‌ی موضوعی اطلاع کامل ندارند، اظهار نظر ننمایند، همچنین گفتار و رفتار آنان با یکدیگر باید چنان بر اساس اتحاد و همبستگی و صمیمیت باشد که فقرا بتوانند آن را الگوی رفتار و گفتار خود قرار دهند.

۶- چنانچه در فرمان بعضی از آقایان مشایخ کلمه‌ی «درویش» به لقب آنها ضمیمه شده است مربوط به حالات مخصوصی است و تنها با تشخیص قطب وقت است که این کلمه در فرمان، ضمیمه‌ی لقب شده است و این کلمه

۲. سوره صفا، آیه ۴.

۳. سوره فتح، آیه ۲۹.

هیچ گونه امتیاز خاصی را برای دارنده‌ی آن نمی‌رساند همینطور تقدیم و تأخیر در صدور فرمان شیخی، ممتاز بودن او را نشان نمی‌دهد. فقط طبق آنچه در رساله‌ی شریفه‌ی پند صالح فرموده‌اند و غالباً در فرمان‌ها هم اشاره شده است در تحقیق و رعایت آداب ظاهري این تقدیم توسط خود مشایخ نسبت به یکديگر و همچنین فقرا باید رعایت شود و نیز کمالات صوری و معنوی آقایان مشایخ فضل الهی است که از باطن قطب وقت به آنان افاضه می‌شود.

۷- برگزاری مراسم سالگرد اقطاب بزرگوار سلسله که بیش از یک قرن است در بین فقرا معمول می‌باشد، کاری پسندیده است و هدف اصلی از این مراسم آن است تا از خدمات و زحماتی که آن پیشوایان در راه هدایت و تربیت بندگان خدا تحمل نموده و با تمام توان خود لوای ولایت را برآفرانسته و چراغ پر فروغ فقر را روشن نگهداشته‌اند، یادآوری شود و رویه‌ی آنان سرمشق ما قرار گیرد که در این صورت روح آنان شاد می‌گردد. در این مراسم یا شرح حال آنان خوانده شود یا فقرا می‌توانند از نوار سخنرانی‌های مجالس تهران تهیه و استفاده نمایند و نیز در مورد اطعام هم با توجه به توزم اقتصادی و گرانی می‌توانند با مشورت با هم بصورت مشارکتی و به دور از هر گونه اسراف و افراط و با نهایت سادگی و بدون تشریفات برگزار نمایند.

۸- اصولاً همانطورکه در اعلامیه‌های قبلی و در سالهای اولیه هم تأکید نمودم برای رسیدگی به گرفتاری‌های خانوادگی و شغلی و اقتصادی فقرا و همینطور برای امور مربوط به حسینیه‌ها و مجالس فقري اصل مشورت را مورد نظر داشته باشند و عده‌ای از فقرا پیشقدم و با تجربه به این امر مبادرت نمایند تا از مراجعه‌ی فقرا در این امور ماذی و ذیوی که در این زمان زیاد هم شده است به بزرگان کاسته شود و آقایان مشایخ و مجازین بیشتر به اجرای وظایف خود و تربیت روحی و باطنی فقرا پیردادزند.

۹- اعضای خانواده‌های محترم فقرا با رعایت اصل محبت و گذشت و تربیت صحیح فرزندان، هم در امر تحصیل و هم در تربیت و اخلاق و تحکیم روابط خانوادگی جذیت کنند و از تجمل گرایی و اشرافیت و توقعات بیجا دوری نمایند همچنین از اختلاط محروم و نامحرم حتی در محافل خانوادگی هم پرهیز نمایند تا توفیق الهی بیشتر نصیب آنها شده و از طلاق که مبغوض خدا و رسول(ص) و از هم پاشیدگی اساس خانواده بوده و غالباً نتیجه‌ای جز پشمیمانی و گرفتاری طرفین ندارد، جلوگیری شود.

۱۰- در درویشی که اصل و حقیقت تشییع است، هیچ امری از امور مذهبی و عبادی بدون اجازه‌ی قطب وقت ناید اجرا شود از جمله سخنرانی در مجالس فقري یا تفسیر و شرح مطالب قرآن و عرفان باید با اجازه‌ی کلاسها و اجتماعاتی که با عنوان کلاس‌های تفسیر یا عرفان و تصوف تشکیل می‌شود، اداره‌کنندگان کلاسها و محل کلاسها کاملاً مشخص است بنابراین چنانچه مجالس و محافلی با این عنوان در محلی تشکیل و مخصوصاً شئونات مذهبی در آنها رعایت نگردد، ارتباطی به این سلسله‌ی ^{جلیله} ندارد.

در همین مورد باید توجه داشت که مشایخ و مجازین در امور مختلف و حدود اجازه‌ی آنان نیز کاملاً مشخص می‌باشد و افرادی با عنوان شیخ یا مجاز مخفی نداریم ضمناً بالاترین کرامت برای مؤمن، بندگی حق و اطاعت امر او و خضوع و خشوع در برابر خدا و خدمت و فروتنی نسبت به بندگان خدا و مخالفت با هوا و هوس و نفس امارة و مظاهر آن است پس فقرا کاملاً مراقب باشند چنانچه افرادی ادعای هر گونه فرمان یا اجازه‌ای نمودند یا خود را شیخ و مجاز مخفی معروفی کردند و یا اظهار کرامت و خوارق عادت نموده و یا ادعا کردند که اجازه‌ی طبابت یا روش‌های درمانی گوناگون را دارند، ادعایشان نادرست و حتی ممکن است از عوامل نفوذی بیگانه بوده و قصد گمراه کردن دیگران و آسیب زدن به این سلسله‌ی حقه را داشته باشند.

۱۱- همانطورکه توصیه مؤکد بزرگان سلسله و رویه‌ی عملی فراست مجالس فقري شباهی جمعه که مستند به

سوره‌ی مبارکه جمעה و مجالس شیهای دوشنیه که مناسب به فرمایش ائمه(ع) است، دری است از درهای بہشت و با غی است از ریاض جنان و شرکت کنندگان در آن مشمول رحمت و مغفرت الهی قرار می‌گیرند مخصوصاً در این زمان که حضور و اجتماع در این مجالس از اهم وظایف فقراست و در زمان مجلس، بانی اصلی، حضرت مولی می‌باشد تقیید به حضور در مجالس فقری از موجبات ریزش رحمت حق و رونق این سلسله می‌باشد.

۱۲- بانیان مجالس فقری و خدمتگزاران در حسینیه‌ها و مجالس این توفیق خدمت را نعمتی ربیانی و موهبتی الهی بدانند و در خلوص نیت و صداقت و بی‌توقفی و ادب و احترام نسبت به میهمانان حضرت مولی بکوشند و یقین داشته باشند که:

روضه‌ی خلد برین خلوت درویشان است مایه‌ی محتشمی خدمت درویشان است
ای دل اینجا به ادب باش که سلطانی عشق موجبش بندگی حضرت درویشان است
و اگر چه فقرا نباید عبادت و خدمت را به منظور دریافت هر گونه اجر و پاداشی انجام دهند:
تو بندگی چو گدایان به شرط مزد مکن که خواجه خود روش بنده‌پروری داند
ولی هر کار و خدمت خالصانه و با ارزشی نهایتاً به پاداش خود خواهد رسید. البته وظیفه‌ی تمام فقراست که نسبت به این خادمان افتخاری با صداقت و فداکار، رعایت محبت و احترام بنمایند.

۱۳- زیارت مکه معظمه برای افراد مستطیع بعنوان حج واجب و زیارت مدینه منوره و عتبات عالیات و قبور بزرگان دین و توسل به ذیل عنایات آنان از شعائر مذهبی و موجب تطهیر قلب و تزکیه‌ی روح و تکامل معنوی مؤمن است.

۱۴- مزار سلطانی بیدخت گناباد که اکنون مرقد مطهر چهار نفر از اقطاب بزرگوار این سلسله‌ی حلیله و مطاف اهل دل است، رفتن به زیارت آن مکان مقدس و توجه فقرا و روی آوردن به آنها با رعایت تمام آداب و وظایفی که برای زوار و وفادین تعیین و در اتفاقهای مزار نصب گردیده است، لازم می‌باشد. مخصوصاً شرکت در کلاسهایی که حسب الامر فقیر در سالن کتابخانه سلطانی تشکیل می‌گردد و بحمدالله مورد توجه و استقبال بیدختی‌های عزیز هم قرار گرفته است و استفاده از کتب کتابخانه سبب ازدیاد جلال و رونق درویشی می‌گردد.

در پایان این بیانیه، همه فقرا را توصیه می‌نمایم که: با گفتار و اعمال شایسته خود پیوسته در راه عظمت فقر و درویشی گام بردارند و در آغاز سال جدید با خدای خود تجدید عهد نموده با دل و زبان از گناهان خود استغفار نماییم و با محبت و صمیمیت با یکدیگر نور امید را در دل روش بداریم که:
انیسا گفتند نومیدی بس است لطف و بخشش‌های ایزد بیحد است
از چنین محسن نشاید نالمید دست در فتران این رحمت زنید
امیدواریم حضرت قائم الی محمد(ع) با نور جمال خود دل همه‌ی مؤمنین را نورانی و معرفت به نورانیت خود را نصیب همه مارفماید

اول فروردین ۱۳۹۰ شمسی

التماس دعا: حاج دکتر نورعلی تابنده (جنوب‌عليشاه)

